

صراط



مفهوم آزاد بودن انسان، قرن‌ها پیش از آنکه در اروپا مطرح بشود، در اسلام مطرح شد و قرن‌ها پیش از آنکه متفکرین و روشنفکران و انقلابیون و رهبران اروپایی به فکر بیفتند که آزادی بشر را یکی از حقوق اساسی بشر بدانند، این در اسلام مطرح شده. حال‌اگر آزادی را با آن معنای راقی و لطیف و بلند آن مطرح کنیم، که آزادی روح انسان از آلائش‌ها، از هواها و هوس‌ها، از ذلت، از قیدوبندهای مادی است، اگر این را بگوئیم که این تا امروز

آیا مکاتب مدرن واقعاً منکر متافیزیک هستند؟

# نقش آفرینی متافیزیک در علوم انسانی مدرن

تحلیل

محمدحسن صادق‌پور



غرب، با شروع دوره خردگرایی، کوشید تا هر چه بیشتر خود را از ورطه متافیزیک‌ها ساخته و به دامن طبیعیات پناه برد. از همین رو مبانی علوم انسانی جدید نیز به گونه‌ای نباشد که اساسش بر طبیعیات باشد. اما آیا در حال حاضر، می توان گفت مفاهیم متافیزیک هیچ جایگاهی در تئوری‌های علوم انسانی مثلا در حقوق و علوم سیاسی ندارند؟

در طول تاریخ اندیشه غرب، متافیزیک همواره عنصر مؤثری در ارائه مبانی و هنجارها بوده است اما پس از ظهور مدرنیته، کوشش مجدانه برای حذف همه عناصر متافیزیکی با استفاده از روش‌های ابرازی شناخت مبتنی بر تجربه گرای و ساینسیسم صورت گرفت. بر تلاش‌های چند صد ساله غرب، شاید اکنون چنین پنداشته شود که میان مبانی متافیزیک و تئوری‌های غیرمتافیزیک، مرزی وجود دارد که همواره این دور را یکدیگر جدا می کند اما حقیقت آن است که چنین تمایزی به سادگی قابل اثبات نیست حتی در غیرمتافیزیک‌ترین تئوری‌ها، می توان در پای عناصر متافیزیکی را در مبانی‌شان جست و جو کرد.

مفهوم متافیزیک

متافیزیک در زمره موارد صعب و پیچیده برای گفت‌وگوهایی فلسفی است اما شاید بتوان با راهی از بند واژگان، یک مفهوم ساده و عرفی برای آن یافت. مابعدالطبیعه را شاید بتوان هر آنچه ورای عالم مادی (فیزیک) وجود دارد، تعبیر کرد. در این صورت متافیزیک شامل همه ادعاها و گزاره‌هایی می شود که در خصوص ماهیت واقعیت بیان می شود اما از تجربه و از منون قابلیت بررسی ندارد. هر چند متافیزیک تجربه پذیر نیست اما در سراسر زندگی خود با این قبیل مفاهیم سر و کار داریم. از اعتقاد به خالق که کامبیش در همه جوامع وجود دارد، تا تأمل در ذات و ماهیت خودهن.

تیلور نگاه متافیزیک در طول تاریخ نسبت به مقولات علوم انسانی در اعتقاد به «امر مقدس» قابل مشاهده است. از دل امر مقدس، دین استخراج می شود که نه فقط در بعد ذهنی و فلسفی به تشریح ماهیت هستی و رابطه ما با آن می پردازد، بلکه شیوه‌ای از زندگی را به دست می دهد که انسان، با درک خود در میان جهانی مملو از پدیده‌های فیزیکی و متافیزیک، راه را جسته و در مسیر نیل به تعالی و معنویت (از جنس متافیزیکی) حرکت کند.

متافیزیک و علوم جدید

کافی است برای اثبات این مدعا نگاهی به یکی از مقولات رشته حقوق، به عنوان یکی از علوم انسانی مدرن ببندیم. حق آدمی در مکاتب دینی و فلسفی اسلام بر خاسته از «راه خداوند» یا «ظواهر انسان‌ها» است. در مکتب لیبرالیستی به عنوان سرمدمدار حقوق مدرن نیز، اساس بر «وضعیت بشر» است. حالات و وضع انسان بر خاسته از «سرشت آدمی» است که طبیعا و به اقرار خود لیبرال‌ها، قابلیت سنجش و از منون تجربی ندارد و باید بر اساس مفروضاتی برای آن به وضع قوانین پرداخت. مشاهده می کنیم که اینجا نیز سخن از مفروضاتی به میان می آید که ذاتا متافیزیک و غیر از منون پذیر است.

حقیقت آن است که علم تجربی، همان قدر که در درک هویت مفاهیمی چون روح و خدا عاجز است، نمی تواند ارزش‌های اخلاقی را نیز که مبانی سنجش و وضع قوانین حقوقی هستند، تعریف کند. همین خفره در علوم انسانی غرب، منجر به بحث و جدال‌های جدی بر سر انکار علم تجربی در نگاه‌های نومدرنیستی و پست‌مدرنیستی شد که به ابزارهای جدیدی برای اعتبار سنجی گزاره‌ها می پرداخت (مثلا روش ابطال گرای پوپر که کوشیده با اقرار به عدم امکان درک همه واقعیت‌ها از طریق از منون تجربی

و تشکیک در غیرواقعی دانستن پدیده‌های غیر از منون پذیر، شیوه‌ای دیگر برای اثبات گزاره‌ها ارائه کند). در خصوص رابطه انسان و ارزش‌ها می توان گفت ارزش‌ها جزا از انسان‌ها نیستند و انسان‌ها را نیز نمی توان از ارزش‌ها جدا کرد - کما اینکه غرب پس از یک دوره انکار، اکنون مروج همین مسئله است- و این ارزش‌ها، از جنس فیزیک نیستند. شیوه‌ای علمی وجود ندارد که بتواند ثابت کند از نظر اخلاقی، چه چیز خیر است و چه چیز شر، چنین مقوله‌هایی پای خود را از «ساینس» فراتر گذاشته‌اند و به طور کلی هر نظریه‌ای (خاصه در علوم انسانی نظیر حقوق، سیاست و...) که به ارزش‌گذاری سر و کار دارد به صورت سیستماتیک درگیر انگار‌های متافیزیک است. به عبارت دیگر علوم غربی هر چه بکوشند بنیان خود را بر درک فیزیکی از پدیده‌ها بگمارند اما در علوم که سوزگی آن «انسان» است، نمی توانند «ارزش‌ها» را نادیده بگیرند. پس ناخواسته به سمت متافیزیک سوق داده می شوند.

لاک، لیبرالیسم و متافیزیک

جان لاک را به درستی پدر لیبرالیسم خوانده‌اند و لیبرالیسم هم‌اکنون سرپرست و سردمدار علم مدرن است. هر چند از زمان مطرح شدن گزاره‌های لاک در لیبرالیسم تا طرح تئری‌های نئولیبرالیستی متأخر در عصر ما، همین مفهوم نیز درگیر تطورات و تجدیدنظرهای فراوان شده است، اما لیبرالیسم ناب که نگرش اومانیستی به جهان دارد و در متدولوژی به تجربه‌گرایی و ایستگی دارد، چه میزان در ادعای خود صادق است؟

اندیشه لاک در بسیاری از مکاتب و سنت‌های فکری مدرنیته در علوم انسانی پیشرو بوده است، وی با وضع



«ما تو ریالیسم تاریخی» و «د بالکتیک» مارکس، اساسا نظریه‌ای متافیزیکی است که بر پایه یک فرض بنیادین در تعریف انسان استوار است: «انسان موجودی است ذاتا آفریننده و سازنده، که با «کار» جهان خود را می سازد، اما به دلیل استثمار طبقاتی حاکم شده بر جهان در طول تاریخ، این ارزش از بیشتر دریغ شده است. این تعریف مارکس از انسان در واقع سطوحی عمیق‌تر از واقعیت عینی و مشهود دارد که البته قابل آزمایش نیست

اندیشه لیبرالیستی و همچنین وضع نظریه حقوق طبیعی و به تبع آن حقوق بشر است که در روش‌شناسی نیز به علم ریسم (اصالت حس‌گرایی) تأکید دارد. روشی که عمل تحصیل را در مرتبه نخست شناخت قرار می دهد و سایر روش‌های رسیدن به شناخت را غیر علمی و در مقابل «حواس طبیعی» فاقد اصالت می داند. با همه این‌ها اندیشه‌های جان لاک با مدعیات او در موارد متعدد در تعارضند. به اعتقاد لاک، منشأ شناخت، حس است و در کتاب «دو رساله در باب حکومت» می نویسد: «حقوق طبیعی، چیزی جز حکم ساده‌ای که از عمق جان آدمی صادر می شود نیست». اما درباره این بحث نمی کند که به اعتبار کدام سنجه از ابزارهای فیزیکی، می توان نشان داد که آدمی از چنین حقوق طبیعی برخوردار است؟ واضح است که بنیان اندیشه لاک بر یک برداشت متافیزیکی استوار است که ریشه در سرشت و فطرت آدمی دارد. جان لاک البته برای هر چه بیشتر فیزیکی کردن این مفاهیم که ریشه در الهیات مسیحی دارد، تلاش دارد تا ابعداد تازه‌ای از نگرش به جهان را ارائه دهد. حاصل این نگرش اصالت دادن به مفهوم «مال» و «دارایی» است که در تقابل با حق مالکیت خدا ساخته می شود. مفهوم مال و مالکیت، اکنون مرکز اندیشه سیاسی لاک را تشکیل می دهد. وی حق داشتن مالکیت را بخشی از «سرشت انسانی» می داند که خداوند به عنوان موهبت به انسان داده است و اکنون دیگر منقطع از بعد متافیزیکی، صرفا در اختیار انسان‌ها قرار گرفته است، لذا در سیاست، هر حکومتی که به حق مالکیت اصالت بدهد و مالکان را فارغ از حقوق الهی و متافیزیکی، به رسمت بشناسد، حکومتی خوب معرفی می کند.

حق مالکیت و سایر حقوق طبیعی انسان‌ها، در نظر لاک، باید ریشه وضع قوانین اجتماعی قرار گیرند و تکالیف سیاسی را نیز می توان از دل همین حقوق فیزیکی استخراج کرد. در تئوری سیاسی لاک، انسان‌ها موجوداتی هستند که در اصل آزادند و برابر که در سلطه مفاهیمی چون نژاد، ملیت، جنسیت و نظیر آن قرار گرفته‌اند. از منظر لاک، رشد و شکوفایی انسان‌ها در پرتو «آزادی» شکل می گیرد و حکومتی که در تأمین آزادی کامل مردم بکوشد، آنان را به سعادت سوق می دهد اما تلافی مفهوم «آزادی» به عنوان پایه ارزش‌گذار «جامعه خوب» با سیاست، که از دل آن مفهوم لیبرالیسم زاده شده است، الزاماً مفهومی است متافیزیکی چرا که توسط علم نمی توان ثابت کرد انسان برای شکوفاشدن، مهم‌ترین چیزی که نیازمند است «آزادی» باشد.

متافیزیک در مارکسیسم علمی

دانته متافیزیک صرفا به مفروضات تئوری‌های سیاسی ایدئولوژیک محدود نمی شود و در هنجارها و وضع اصول



## مفهوم آزادی، در اسلام پیش از مکاتب غربی ترویج شده است

مطرح می‌شود. آزادی‌های اجتماعی، آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های اقتصادی، آزادی فکر و اندیشیدن و عقیده، اگر به همین معنا هم آزادی را بگیریم، البته با تفاسیر مختلفی که در زیر پر یک از این مطالب و عناوین هست، در همین هم اسلام قرن‌ها قبل از انقلاب‌های اروپایی و مکاتب اروپایی، این آزادی را به ارمان آورده است. **خطبه‌های هبر معظم انقلاب در نماز جمعه تهران - ۶۵/۹/۱۴**



اندیشه لاک در بسیاری از مکاتب و سنت‌های فکری مدرنیته در علوم انسانی پیشرو بوده است. وی با وضع اندیشه لیبرالیستی و همچنین وضع نظریه حقوق طبیعی و به تبع آن حقوق بشر است که در روش‌شناسی نیز به علم ریسم (اصالت حس‌گرایی) تأکید دارد. روشی که عمل تحصیل را در مرتبه نخست شناخت قرار می دهد و سایر روش‌های رسیدن به شناخت را غیر علمی و در مقابل «حواس طبیعی» فاقد اصالت می داند. با همه این‌ها اندیشه‌های جان لاک با مدعیات او در موارد متعدد در تعارضند. به اعتقاد لاک، منشأ شناخت، حس است و در کتاب «دو رساله در باب حکومت» می نویسد: «حقوق طبیعی، چیزی جز حکم ساده‌ای که از عمق جان آدمی صادر می شود نیست»

مبنتی بر ایدئولوژی‌ها دامه می یابد. به منظور بررسی این مهم به سراغ مارکس می‌رویم. فیلسوفی که اساسا خدایاپور است و ادعا و تأکیدش بر «علمی بودن» نظریاتش است. او حتی اعتقاد به لزوم فروپاشی سرمایه‌داری و ظهور کمونیسم را نه یک ارزش و هنجار اخلاقی، بلکه یک ضرورت جبری تاریخی قلمداد می‌کند که مستقل از درک انسانیت به ارزشی بودن یا نبودن «کمونیسم» شکل خواهد گرفت و گزیری از آن نیست. با این وجود در تئوری مارکس نیز می توان متافیزیک را مشاهده کرد.

«ماتریالیسم تاریخی» و «دیاکتیک» مارکس، اساسا نظریه‌ای متافیزیکی است که بر پایه یک فرض بنیادین در تعریف انسان استوار است: «انسان موجودی ذاتا آفریننده و سازنده، که با «کار» جهان خود را می سازد. اما به دلیل استثمار طبقاتی حاکم شده بر جهان در طول تاریخ، این ارزش از بشر دریغ شده است. این تعریف مارکس از انسان در واقع سطوحی عمیق‌تر از واقعیت عینی و مشهود دارد که البته قابل آزمایش نیست.

اما برخلاف نگاه لیبرالیستی که بر مبنای «آزادسازی» و «هاسازی» است، نگرش مارکسیستی از دل ارزش‌گذاری متافیزیکی خود، به اقیام و هنجارهای عملی نیز گرایش پیدا می کند. در فرآیند و سازش، مفاهیمی چون «استبداد»، «پره‌کنشی»، «عجالت»... شکل می‌گیرند و بر خوردن با مظاهر استبداد برای استقرار نظام عادلانه مارکسیستی برای احیای ارزش «کار» و نظام کارگری و از بین رفتن نظام طبقاتی تجویز می شود.

مفهوم دولت و ایدئولوژی در مارکسیسم نیز نمونه‌های دیگر از الصاق مفاهیم اخلاقی به مفاهیم سیاسی است. در تئوری مارکسیسم، دولت به عنوان ابزار «سستم طبقاتی» یاد می شود. مارکسیست‌ها، مفهومی اخلاقی از دولت ارائه می کنند، که اساسا قابل سنجش یا اندازه‌گیری یا سنجه تجربی نیست. «ایدئولوژی» نیز که به اعتقاد مارکسیسم خود بخشی از سیستم است و در نظام سرمایه‌داری، دارای مکانیسمی ستمگرانه برای خودبیگانه کردن انسان‌هاست، و در نظامی باید به نفع پرولتاریا مصاهره شود. دیگر عنصر متافیزیکی است که در مارکسیسم به آن توجه می‌شود. به همین دلیل هم مارکسیست‌ها از لزوم «ایمان» به ایدئولوژی سخن می‌گویند چرا که در مارکسیسم «ایدئولوژی»، درست‌شبهه دین، نیاز به اعتقاد و ایمان دارد و مظهر ایمان نیز «غیب» و فراواقعیت است که سنجش آن از حدود توان ابزار و محسوسات خارج است.

فرجام سخن

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، اساسا طرح‌راهی از متافیزیک و تزیین آن با لعاب «علمی بودن» خصوصا در علوم انسانی، امری دور از ذهن و خلاف واقعیت است. مکاتب فلسفی مدرن خود برای تحمیل و تبیین مبانی خود لاجرم از مفروضات متافیزیکی بهره می‌برند و بعضا حتی در روشمندی، به تعاریف متافیزیکی چنگ می‌اندازند. مسئله متافیزیک، البته در غرب چندین دهه است از چالش عبور کرده و تقریبا عموم فلاسفه غرب، دست از انکار متافیزیک برداشته و حتی به لزوم آن در علوم انسانی اذعان دارند اما در کشور ما و بین برخی استادی که همچنان با نظریات چند دهه گذشته فلاسفه غرب، تغذیه می‌شوند، خصوصا با توجه به پرنگ بودن عنصر «دین» به عنوان قوی‌ترین پدیده متافیزیکی، این چالش به صورت مستمر در بعد نظری و عملی وجود دارد و نخبگان را به سوی بیراهه‌های کشاننده است تا از واقعیات جامعه و درک کارکرد علوم انسانی برای حل مشکلات و معضلات به نزع بر سر مسئله پیش یا افتاده «اصالت فیزیک یا متافیزیک» که پاسخی آشکار دارد، فرود کاست یابند.

درنگ

توسط علی اکبر رشاد

## کتاب «نظام علمی - آموزشی پرورش مال» منتشر شد

کتاب «نظام علمی - آموزشی پرورش مال»، سومین کتاب گروه فرهنگ پژوهی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است که به قلم آیت‌الله علی اکبر رشاد رئیس این پژوهشگاه با هدف تحول بنیادین حوزه بر اساس نظریه آموزش «پرورش مال» به چاپ رسیده است. نظام علمی - آموزشی پرورش مال، دستگاه تعلیماتی - تربیتی‌ای است فطرت‌بنیاد، استعدادمحور، جامع‌نگر و جامعه‌گرا، که بر پروردن استعداد‌های فطری گونه‌گون متربیان، با نقش آفرینی فعال خود انسان تمرکز دارد. برآیند این نظام به فعلیت درآمدن قوا و قابلیت‌های ذاتی افراد تحت تربیت، شکل‌گیری ملکات پایدار و علمی و عملی در وجود آنان و فراهم آمدن توانایی‌های معنوی، معرفتی و مهارتی لازم، معطوف به نیازهای جامعه اسلامی است. در بخش اول، فهرستی از فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی حوزه و دین پژوهی و تبیین دین در عصر حاضر ارائه شده است. بخش دوم کتاب تبیین سه رویکرد موجود (متجمد سنتی اندیش، متجدد نوگرا و مجدد نواندیش) را در زمینه مقابله با تهدیدها و مواجهه با فرصت‌ها، خاصه مسئله مهم تحول حوزه بر عهده گرفته است.



بخش چهارم که بخش اصلی و محوری اثر را تشکیل می‌دهد، ضمن تبیین باسیستی و بیاسسته‌های تأمین نصاب مطلوب در زمینه ارکان سه گانه نهاد حوزه، ابعاد چهارگانه معرفتی، معنوی، مهارتی و هویتی و عرصه‌های ده گانه ذیل آنها را مشخص کرده و نصاب‌های لازم‌التحصیل را برای تربیت طلبه تراز بیان داشته است. در فصل پنجم از بخش چهارم کتاب، طی یک مطالعه تحلیل راجع به تاریخ معماری مدارس علمیه، گونه‌شناسی بنای مدارس، مطابق الگوهای اجرا شده و تطورات آن در طول تاریخ، ضمن شرح عناصر معماری موجود (متجمد سنتی اندیش، متجدد نوگرا و مجدد نواندیش) را در زمینه مقابله با تهدیدها و مواجهه با فرصت‌ها، خاصه مسئله مهم تحول حوزه بر عهده گرفته است. بخش سوم اثر به تبیین اجمالی نظریه (آموزش پرورش مال) که مبنای نظام علمی پیشنهادی راقم است، می‌پردازد.

به مناسبت بزرگداشت روز سپهرودی

## اساتید فلسفه به نکو داشت شیخ اشراق پرداختند

به مناسبت بزرگداشت روز شیخ اشراق شهاب‌الدین یحیی سپهرودی (ه ق ۵۴۹ - ۵۸۷) مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با همکاری انجمن علمی حکمت و فلسفه ایران همایش «بزرگداشت روز شیخ اشراق» را با حضور استادان فلسفه و علاقه‌مندان به فلسفه و فلسفه اشراق برگزار کرد. در این همایش که دوشنبه ۹ مرداد برگزار شد، استادان فلسفه: غلامحسین ابراهیمی دینانی، غلامرضا اعوانی، عبدالحسین خسروپناه، سعیدمصطفی محقق داماد، مهدی عظیمی و زهرا راز سخترانی کردند. شهبان اعوانی دبیری همایش مذکور را به



مباحثی درباره ظرفیت‌های اندیشه سپهرودی برای استفاده در جامعه امروز و حل مسائل فلسفی مورد توجه قرار گرفت.

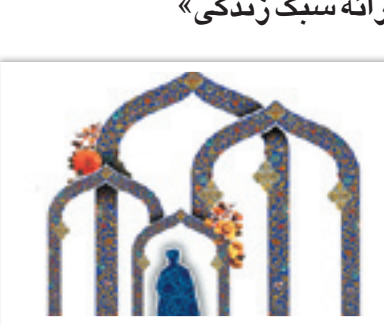
## آغاز ثبت نام درس گفتار مجازی جریان‌شناسی فرهنگی و سیاسی

ثبت‌نام درس گفتار مجازی «جریان‌شناسی فرهنگی - سیاسی تاریخ معاصر» آغاز شد و تا نیمه مرداد ادامه دارد. اساتید این دوره عبارتند از: موسی نجفی، حجت‌الاسلام خسروپناه، موسی فقیه‌حقانی، محمدحسین صفارهرندی، منوچهر محمدی، صادق کوشکی، عادل پیغامی، و... این دوره مجازی مشتمل بر بیش از ۲۲ ساعت محتوای آموزشی با عناوین زیر است:



ایران ونسبت آن با انقلاب اسلامی، جریان‌شناسی نظام سلطه در دنیا معاصر، جریان‌شناسی روشنفکری از مشروطه تا امروز، جریان‌شناسی روحانیت قبل و بعد از انقلاب، جریان‌شناسی احزاب و گروه‌های سیاسی، جریان‌شناسی فکری سیاسی جهان اسلام، جریان‌شناسی سنت‌گراها قبل و بعد از انقلاب، جریان‌شناسی اقتصاد ایران، جریان‌شناسی سینما بعد از انقلاب

## برگزاری نشست «ظرفیت‌های فقه نظام برای ارائه سبک زندگی»



سبزه‌دهمین کرسی ترویجی پژوهشگاه فقه نظام با موضوع «ظرفیت‌های فقه نظام برای ارائه سبک زندگی» امروز چهارشنبه ۱۱ مرداد ۹۶ برگزار می‌شود. به گزارش روزنامه جوان به نقل از ایکننا، سبزه‌دهمین کرسی ترویجی پژوهشگاه فقه نظام با موضوع «ظرفیت‌های فقه نظام برای ارائه سبک زندگی» روز چهارشنبه ۱۱ مرداد ۹۶ برگزار می‌شود.

سخنرانان این نشست، حجت‌الاسلام عباسعلی مشکاتی، پژوهشگر حوزه و

مدرس فقه سیاسی و حجت‌الاسلام محمد حاج‌ابوالقاسم هستند. دبیری علمی این نشست را نیز حجت‌الاسلام محمدحسن برابری بر عهده دارد.